

یاددوست

محبوبه بیات: سعید کنگرانی قربانی شهرت شد

رضا آشفته



● **سعید کنگرانی**، بازیگری بود که در کل بازی‌های زیادی نداشت، اما نامش از همان جوانی بر سر زبان‌ها افتاد. حسن فتحي، کارگردان سینما و تلویزیون، به مناسبت درگذشت **سعید کنگرانی** که سابقه همکاری با هم را در فیلم «ازدواج به سبک ایرانی» داشتند، نوشت: **سعید کنگرانی** هم رفت؛ با دنیایی آرزو و امید سرشکسته و سرخورده برای بازگشت به سینما، که با خود به آخرت برد! روح زنجور و دردمندش قرین آرایش باد. **سعید کنگرانی** بعد از ۱۶ سال دوری از سینما در سال ۸۳ با فیلم «ازدواج به سبک ایرانی» به سینما بازگشته بود. داریوش ارجمند که با هم در این فیلم همبازی بودند، هم در نشست‌ی درباره کتابش از کنگرانی به‌عنوان جواهری نام برد که در این سال‌ها از دست داده‌ایم!امام‌هدی گلستانه، کارگردان که قرار بود سعید کنگرانی پس از ۱۴ سال دوری از عرصه تصویر، در سریال نمایش خانگی «رقص روی شیشه» به کارگردانی او نقش آفرینی کند، می‌گوید: «کنگرانی سالم بود و بازی آقای کنگرانی متأسفانه هنوز در سریال شروع نشده بود و قرار بود ایشان از هفته آینده مقابل دوربین بروند، اما با تاثر و تأسف این اتفاق افتاد. قرار بود تست گرم و لباس هفته آینده انجام شود و بعد هم ایشان بازی‌شان را شروع کنند. ایشان هیچ بیماری قبلی‌ای نداشتند و صحیح و سلامت بودند.» کنگرانی اخیراً در تئاتری به نام «تیرگ اورنگ» در تماشاخانه سنگلج روی صحنه رفت. در ادامه با محبوبه بیات، بازیگر که هم‌اینک ساکن فرانسه است و با کنگرانی در فیلم «در امتداد شب» هم‌بازی بوده، گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.

✎ **نظرتان درباره سعید کنگرانی چیست؟**

سعید و امثال سعید قربانی شهرت بادآورده می‌شوند، صرفاً به‌خاطر چهره خاص بازیگر نبستند، خودشان هستند و این چنین هدف هنرمندانه و ذات هنر را دارا نیستند. آنها به‌زودی غرق در ظواهر این محیط می‌شوند. دانش این هنر را ندارند، بنابراین هدفی جز شهرت و پول ندارند و دیگر حاشیه می‌شوند؛ به‌خصوص خوش‌گذرانی‌های خاص. بارها به او تذکر دادم کتاب بخوان، یاد بگیر، گوش نکرد. مست پیروزی‌شدن ... و سقوطکردن! لازمه این نوع نگاه به حضور به ظاهر هنر است. متأسفانه کمبودهای کودکی و در مسیر درست قرارنگرفتن باعث می‌شود که قربانی شود و فقط سعید هم نیست که قربانی می‌شود. این روزها ناظر حضور خیلی‌ها هستیم که بدون شناخت از هنر قربانی این محیط می‌شوند.

✎ **به‌ر تقدیر هنوز تماشاگران دایی‌جان ناپلئون، در امتداد شب، دایره مینا و سربازدار از او خاطره دارند. این خاطره دلیش چه می‌تواند باشد؟**

کارها به‌طورکلی خوب بوده، قصه خوب و کارگردان خوب و تیم خوب برایش شانس آوردند. اینکه در کنارشان قرار بگیري؛ سینما به‌خصوص به فرصت‌ها خیلی مربوط است.

✎ **آیا خود کنگرانی هم استعداد و بضاعتی داشته که در این داستان و هدایتگری‌های خوب بدرخشد؟**

نه متأسفانه، یک پسر زیبا بود که مورد توجه قرار گرفت. شاید به دلیل شباهت به آلن دلون.

✎ **یعنی مثل محمدرضا گلزار و... فقط زیبایی عامل موفقیتش بوده است؟**

بله، کاملاً مثل گلزار... سینمای امروز هم غرق فساد است، ولی این نسل از ما زرنگ‌تر و کاسب‌تر است، کارش به فقر نمی‌کشد.

✎ **آیا در این سال‌ها نباید کار می‌کرد، چون پیش از انقلاب هم درکل کارهایش به شمار دو انگشت هم نمی‌رسید؟**

خودش رفت آمریکا، کسی کاری با او نداشت! تو کار حسن فتحي؛ «ازدواج به سبک ایرانی» خیلی بد بازی کرد. اینها به‌خاطر کیشه و مشتری‌های جوان دنبالش بودند.

✎ **اما بعد از ازدواج به سبک ایرانی، کار فتحي، دیگر به او فرصت بازی ندادند، چرا؟**

بله، البته مثل او زیاد هستند. چرا که نه؟ ولی اصلاً چرا! دوستان حرفه‌ای ما فرصت قربانی‌شدن را به این دوستان می‌دهند و هنرمندها ناشناخته می‌مانند. آیا چهره فقط در زیبایی ظاهر است، همه دخترها و پسرها قربانی جیب تهیه‌کننده می‌شوند، چرا.

✎ **آیا حالا با همه انتقادات وارد از نظر شما، سعید کنگرانی امتیازی هم داشت؟**

متأسفانه گاهی بود کاملاً معمولی... این نام قصه‌ای از جواد مجابی است. متأسفم که سعی نکردم از فرصتی که برایش ساخته شد استفاده درست کند، ولی استعداد یادگرفتنی نیست، ذاتی است. هنرمند خاص است و فقط در اندیشه مشخص می‌شود.

گروه هنر: هیئت انتخاب فیلم ایرانی برای رقابت در رشته اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان در بیانیه‌ای فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» به کارگردانی «وحید جلیلوند»، را برای نمایندگی سینمای ایران در نودویکمین دوره اسکار برگزیدند.

به گزارش بنیاد سینمایی فارابی، متن بیانیه به شرح زیر است:

به نام خدا

هر سال در آستانه انتخاب فیلم نماینده ایران و معرفی آن به آکادمی علوم، فنّون و هنرهای سینمایی جهت رقابت در رشته اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان، بحثی قدیمی درباره ضرورت یا عدم ضرورت معرفی فیلم برای شرکت در رقابت انتخاب بهترین فیلم خارجی در می‌گیرد. امسال خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام، و برقراری تحریم‌های غیرقانونی و ظالمانه علیه مردم و نظام ایران بر جدیت این بحث و طرح پیشنهاد تحریم اسکار افزوده است. هیئت انتخاب فیلم نماینده ایران، ضمن احترام به نظر گروهی که از سر خیرخواهی و غیرت دینی و ملی، خواهان تحریم اسکار و عدم معرفی فیلم به آکادمی هستند، بر این باور است که آکادمی نهادهای غیردولتی و متعلق به آحاد سینماگران آمریکاست. در این نهاد علاوهبر سینماگران آمریکا، سینماگران اروپایی، لاتین‌تبارها، آفریقایی‌ها و سینماگران آسیایی از جمله تعداد قابل‌توجهی از سینماگران پراختفا

باید به ظرفیت سینمای ایران نگاه کنیم

آنتونیا شرکا، در فیلم‌هایی که برای معرفی به آکادمی اسکار بررسی می‌شوند، فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» از جمله فیلم‌هایی است که می‌توان گفت گزینه بدی برای معرفی نبوده اما از طرف دیگر فکر نمی‌کنم این فیلم شانس زیادی برای قرارگرفتن در فهرست نهایی یا برنده‌شدن در آکادمی اسکار داشته باشد. قطعاً باید به ظرفیت سینمای ایران در یک سال گذشته نگاه کنیم و با توجه به این شرایط گزینه خوبی است.

معرفی فیلم به آکادمی اسکار با دید رستی انجام شد

کیوان کثیریان؛ طبق روال سال‌های گذشته به نظرم امسال هم انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به آکادمی اسکار با دید درستی انجام و منطقی برخورد شد. به‌هر حال هر سال باید فیلمی برای ارسال به یک مجموعه انتخاب شود که قوانین خاص خودش را دارد و هیئت

سعید کنگرانی

سعید کنگرانی

نشست هیئت علمی یازدهمین دوره جایزه جلال آل احمد برگزار شد

نظرات موافق و مخالف را بشنویم

جایزه ادبی جلال آل‌احمد از نخستین دوره برگزاری‌اش همواره موجب بحث‌های مخالف و موافق بسیاری در جامعه ادبی بوده است. در دوران دولت‌های نهم و دهم بیشترین انتقاده‌ها در این جایزه از یک‌سو بر سر تعداد بالای سکه‌های آن بود، آن هم در شرایطی که جوایز خصوصی برای برگزاری با مشکلات عدیده مواجه بودند و از سوی دیگر این انتقاد مطرح بود که این جایزه به ادبیات و نویسندگان مستقل توجه چندانی ندارد. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم این‌س جایزه تغییراتی کرد. از جمله این تغییرات، تغییر در ترکیب هیات داوران این جایزه بود، به‌نحوی‌که چهره‌های مستقل ادبیات نیز در این ترکیب حضور یافتند. از طرف دیگر در داوری آثار ادبی به آثار مستقل نیز توجه نشان داده شد و این جایزه به نویسندگان مستقل نیز تعلق گرفت که البته این نیز خود با انتقادهایی از سوی جریان مستقل ادبیات ایران همراه بود، چراکه این اتفاق در حالی افتاد که جایزه‌های خصوصی بیش از پیش به محاق رفتند و همچنین



آثار مستقل همچنان با ممیزی روبه‌رو بودند. سال گذشته نیز در دهمین دوره این‌س جایزه اتفاقی افتاد که انتقادهایی را برانگیخت و این برمی‌گشت به بیانیه هیات داوران این جایزه که در آن آثار داستانی تولیدشده در سال‌های اخیر به لحاظ کیفی مورد انتقاد قرار گرفته بودند. همچنین تغییر دیگری که در سال‌های اخیر در مورد این جایزه اتفاق افتاد، کم‌شدن تعداد سکه‌های آن بود. شاید آنچه بیش از هرچیز حساسیت‌ها را از سوی طیف‌های مختلف ادبیات متوجه جایزه جلال آل‌احمد می‌کند، خود عنوان این جایزه است؛ این جایزه نام نویسنده‌ای را بر خود دارد که در عین‌اعتقاد به تعهد در ادبیات، نویسنده‌ای مستقل بوده است. آل‌احمد اگرچه در دوران جوانی عضو حزب توده بود، اما از این حزب برید و بعد از آن تعهد ادبی و اجتماعی‌اش را به صورت مستقل و البته به‌عنوان شخصیتی تأثیرگذار در جامعه روشن‌فکری دهه ۴۰ دنبال کرد. بنابراین در جامعه روشنفکری دهه ۴۰ دنبال کرد. بنابراین آن سال‌ها رئیس‌عبداللهی است و بر اساس یکی از آخرین عکس‌های آل‌احمد طراحی شده است.

هنر

نماینده ایران به اسکار معرفی شد



ایرانی عضویت دارند. سینمای آمریکا و به‌ویژه اعضای آکادمی در وجه غالب خود، در کنار اکثریت مطلق مطبوعات و رسانه‌های آمریکایی از جمله کانون‌های مؤثر مخالفت نقد و افشاگری علیه دولت عوام‌گرای ترامپ، و سیاست‌های نژادپرستانه و یک جانبه‌گرایانه او هستند. سینمای ایران به‌عنوان بخشی از دیپلماسی فرهنگی و در چارچوب دیپلماسی عمومی می‌تواند از فرصت شرکت در این مراسم برای تقویت ارتباط بین ملت‌ها، تأثیر بر

ایرانی انتخاب فیلم هم باید با این قوانین آشنا باشند، قطعاً یکی از این قوانین داشتن بخش‌کننده خارجی قوی است یا اینکه فیلم جوایز بین‌المللی کسب کرده باشد و در آخر صحبت محتوا نیز هست. در بین گزینه‌های مطرح‌شده فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» این شرایط را داشت. فیلم «تنگه ابوقریب» از دیگر فیلم‌های خوب سینمای ایران است، ولی متأسفانه به‌دلیل بد اثر کردن فیلم و نبود فرصت لازم برای حضور بین‌المللی در فصل جوایز شرایط لازم را نداشت.

هیچ چیز در این دنیا غیرممکن نیست

احمد طالبی نژاد: قطعاً نظر هیئت انتخاب فیلم ایرانی برای معرفی به آکادمی اسکار این بوده که فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» فیلم خوبی است، با اینکه من هم با این‌س نظر موقومم، اما باید بپذیریم که این فیلم نمی‌تواند در اسکار موفقیت چندانی داشته باشد، چراکه به نظر من «بدون تاریخ، بدون امضاء» متعلق به سینمای هنری و فرهنگی است و آکادمی اسکار طبق روال هر سال به صنعت سینما جایزه

احمد طالبی نژاد

احمد طالبی نژاد

نوزدهمین سالمرگ عبدالحسین زرین‌کوب

لبخند زرین کوب بر برنامه «هویت»

شرق: ۱۹ سال از مرگ عبدالحسین زرین‌کوب می‌گذرد و هنوز ناگفته‌های زیادی درباره زندگی و شخصیت او وجود دارد. زرین‌کوب چهره‌ای چندوجهی بود که هم در عرصه ادبیات و هم در عرصه تاریخ آثاری درخور توجه منتشر کرده بود و در این میان او از معدود کسانی است که آثارش هم مخاطب خاص دارد و هم مخاطب عام. در بین آثار تاریخی زرین‌کوب، «دو قرن سکوت» کتابی است که خوانندگانش از دایره مخاطبان خاص و علاقه‌مندان به تاریخ فراتر رفته و در گذر این سال‌ها با اقبال مردم عادی هم مواجه شده و یکی از کتاب‌های ثابت و پرفروش دست‌فروشان کنار خیابان هم بوده است. کارنامه زرین‌کوب گستره‌ای وسیع دارد، اما عمده فعالیت‌های او معطوف به ادبیات کلاسیک ایران و خاصه مولوی، تاریخ ایران، تاریخ اسلام و عرفان و تصوف بوده است. زرین‌کوب در مرداد ۱۳۱۰ خورشید بورجرد لرستان متولد شد و بعد از گرفتن دیپلم سراغ شغلی رفت که تا پایان عمر همراهش بود؛ معلمی. او در سال ۱۳۲۴ در رشته ادبیات دانشگاه تهران قبول شد و تحصیلاتش را تا مقطع

دکترآ ادامه داد و در سال ۱۳۳۴ از رساله خود دفاع کرد. زرین‌کوب نویسنده‌ای پرکار بود و بر چندین زبان هم تسلط داشت و آثاری هم با ترجمه او منتشر شده است. زرین‌کوب از جمله معضوبان برنامه «هویت» نیز بود، برنامه‌ای که در اواسط دهه ۷۰ از شبکه اول سیما پخش می‌شد و هنوز ناگفته‌های زیادی درباره آن وجود دارد. در برنامه «هویت» اتهاماتی به تعدادی از روشنفکران، نویسندگان و فعالان سیاسی زده شد و اگرچه این مسئله موضوعی سابقه‌دار بود، اما تفاوت «هویت» با دیگر برنامه‌های تلویزیون در این بود که این‌بار به‌صراحت نام افراد آورده می‌شد و از آنها با عنوان تئوریسین‌ها و مجربان تهاجم و شیخون فرهنگی یاد می‌شد.

گرچه رئیس وقت صدا و سیما از برنامه هویت دفاع می‌کرد در مقابل، هاشمی‌فسنجانی در گفت‌وگویی که سال ۱۳۸۲ با روزنامه کیهان داشت، وقتی صحبت از برنامه «هویت» شد، گفته بود: «برنامه هویت را از تلویزیون دیدم و اصلاً خبر نداشتم. شما از آقای شرعتمداری پرسید که چه کسی به او گفته که آن برنامه را بسازد. تیپ فکری من این‌گونه نبوده و نیست. به‌هرحال هنوز با ایذا موافق نیستم.» زرین‌کوب بعدها و در زمان دولت اصلاحات در بزرگداشتی که برایش گرفته بودند تعریضی هم به «هویت» زده و گفته بود:

«الدهر یوما، یوم لک و یوم علیک، یک روز نشسته‌ای از همه‌جا بی‌خبر، به تو خبر می‌دهند که

و بنیاد سینمایی فارابی که میزبانی این جلسات را به روش معمول به‌عهده داشت، پس از بازخوانی فیلم «بدون تفرات، فیلم‌های معرفی‌شده سایر کشورها، سوابق نامزدی‌های اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان و عوامل مؤثر در کسب موفقیت در این جشن بزرگ سینمایی، به دقت فهرست ۱۱۰ فیلم اکران‌شده در مدت مقرر را مورد بررسی قرار دادند. برخی از عناوین را مجدداً مورد بازبینی قرار دادند. در نهایت، با بررسی فیلم‌هایی که بازتاب‌دهنده طیف‌های مختلف سینمای ایران بود، با آنکا، به قابلیت‌های انکارناپذیر، سوابق تأثیرگذار در مجامع جهانی، بازخوردهای مثبت بین‌المللی و برخورداری از پخش‌کننده‌ای که در زمان اکران در ایالات متحده، مساعی خود را به خوبی جهت دیده‌شدن فیلم به انجام رسانده است، فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» به کارگردانی «وحید جلیلوند» را برای نمایندگی سینمای ایران در نودویکمین دوره اسکار برگزیدند.

امید است کلیه دست‌اندرکاران سینمای ایران، در حد مقدرات و ظرفیت‌هایی که در اختیار دارند، در حمایت از نماینده کشورمان کوشا باشند و از این امکان جهت معرفی چهره ملتی نجیب و اخلاق‌گرا بهره گیرند.

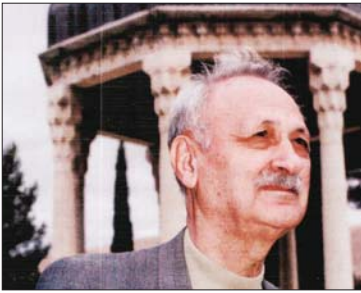
اعضای هیئت معرفی فیلم ایرانی (به‌ترتیب حروف الفبا): محمد الادیبوش، امین تارخ، فرهاد توحیدی، رامین حیدری‌فاروقی، محمدمهدی عسکریور، راند فریدزاده، آتوسا قلمفرسای و قاسم قلی‌پور.

می‌دهد؛ فیلمی که از نظر اعضای آکادمی استانداردهایی در آن رعایت شده باشد و با توجه به شواهد، گمان می‌کنم این فیلم نمی‌تواند تا مراحل بالای حضور در آکادمی اسکار پیش برود، مگر اینکه معجزه‌ای اتفاق بیفتد و فیلم از زاویه دیگری نگاه شود. از طرف دیگر نگاه کنید که فیلم جدید اصغر فرهادی نتوانست به عنوان نماینده کشور اسپانیا به اسکار معرفی شود؛ کارگردانی که موفقیت‌های چشمگیری در جشنواره‌های معتبر دنیا و همچنین آکادمی اسکار داشته و طبعاً فیلم‌های او یک گام به سینمای دنیا نزدیک‌تر است و فیلم دیگری از کشور اسپانیا معرفی شد یا نگاه کنید که هیچ‌گاه فیلم‌های بهرام بیضایی و علی حاتمی که آن‌قدر زیبا و جذاب بودند به جشنواره‌های معتبر دنیا راه نیافتند، چراکه برخی از جشنواره‌های دنیا به دنبال فیلم‌هایی هستند که تا حدی نگاه اجتماعی و انتقادی در آن مطرح باشد و این دو فیلم‌ساز تمام عظمت و شکوه پیذیریم که این فیلم نمی‌تواند در اسکار اگر فکر کنیم «بدون تاریخ، بدون امضاء» بتواند جایگاه ویژه‌ای در آکادمی اسکار داشته باشد، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که هیچ چیز در این دنیا غیرممکن نیست.

نوزدهمین سالمرگ عبدالحسین زرین‌کوب

لبخند زرین کوب بر برنامه «هویت»

برنامه‌ای به نام هویت درست شده، تو را هو کرده‌اند، یک روز دیگر در خانهات هستی و می‌بینی دوستان می‌آیند و با اصرار و الزام از تو می‌خواهند که از تو قدردانی کنند. یک روز چنان فراق هکلم‌سوزی یک روز چنین وصال جان‌افروزی گویا هردم‌جای خودش را دارد و نه به آن جای اعتراضی هست و نه به این افتخاری. از خدا می‌خواهم که در همه حال، همان باشم که هستم و از آن بدگویی‌ها و این نکوداشت‌ها در حالم تغییری پیدا نشود. به‌هرحال من اتم که خود دانم، بلکه در واقع خدای من است که بر نفس من از من داناتر است، بزرگان هرچه می‌گویند از پندار خودشان است. من فقط یک جویبار خردم که از چشمه انه کان ظلوما جهولا جدا شده‌ام و به گرداب کل من علیها فان با شتاب و سرانداز، دارم پیش می‌روم.کسانی که از کنار این‌س جویبار خرد رد می‌شوند، نگاه می‌کنند و جویبار را که زیاده خرد است نمی‌بینند، خودشان را می‌بینند. تصویر خودشان را که به‌هرحال در نظر خودشان بزرگ است مشاهده می‌کنند...».



حالا در آستانه نوزدهمین سالمرگ زرین‌کوب، خبرگزاری ایسنا گفت‌وگویی با عظیم زرین‌کوب، برادر عبدالحسین زرین‌کوب انجام داده که در جایی از آن به واکنش زرین‌کوب به برنامه «هویت» اشاره شده است. عظیم زرین‌کوب گفته: «واکنشی نداشت. زمانی که من به زرین‌کوب گفتم چنین برنامه‌ای ساخته‌اند، لبخندی زد و چیزی نگفت. البته خیلی کار بدی کردند، اما زرین‌کوب اهمیتی نمی‌داد. بعد از آنکه از آمریکا برگشت و بعد از انقلاب فقط به نوشتن پرداخت یا به تحقیق و تدریس. شاید ۱۵، ۱۰ جلد از کتاب‌هایش را بعد از بیماری و در ۱۵ سال آخری که زنده بود، نوشت. در ۲۴ شهریور ۷۸ دنیا رفت. ۱۹ سال از درگذشت ایشان می‌گذرد. بعدا پشیمان شدند و بعد از مرگشان چندین‌بار از تلویزیون آمدند پیش بنده که مصاحبه کنند، اما قبول نکردم. بعد هم برنامه‌ای برای یادبود ساختند، بزرگداشت و اینها. اما گذشته بود. او آن چنان واکنشی نداشت زیرا غرق در فرهنگ و ادب و تاریخ مملکت بود. اینها هم مسئله‌ای نبود.»

زیر آسمان فیروزهای

رونمایی از فیلم ژاپنی آیدا پناهنده

● **گروه هنر:** فیلم سینمایی «پاییز نیکایوها»، به کارگردانی آیدا پناهنده، با اتمام آخرین مراحل فنی، آماده نمایش شد. تهیه‌کنندگی این اثر را «ناومی کاواسه»، فیلم‌ساز برجسته سینمای ژاپن و برنده دوربین طلا و جایزه بزرگ فستیوال فیلم کن، برعهده دارد و فیلم محصول مشترک دو کشور ژاپن و هنگ‌کنگ است. «پاییز نیکایوها»، به نویسندگی ارسلان امیری و آیدا پناهنده، پاییز سال گذشته در ژاپن و در شهرهای قدیمی نارا و تتری فیلم‌برداری شده و داستان فیلم درباره آخرین بازمانده مرد خانواده نیکایدو است که باید برای بقای نام خانوادگی‌شان، دست به انتخاب دشواری برند. در این فیلم بازیگران مطرح ژاپنی؛ ماسایا کاتو، شیوکا ایشیباشی، کاروکو شیراکاوا، کیتا ماچیدا، هانا هیدوکی، کایو ایسه و... ایفای نقش کرده‌اند. مدیریت فیلم‌برداری فیلم را «مرتضی قیدی» برعهده داشته و صدابردار باتجربه ژاپنی؛ کیکوچی نوبویوکی که تجربه همکاری با عباس کیارستمی را در فیلم «مثل یک عاشق» داشته، در این اولین تجربه بین‌المللی آیدا پناهنده، با او همکاری داشته است. کمپانی ژاپنی ال.دی.اچ ژاپن و امپرفیلم هنگ‌کنگ در تهیه این فیلم مشارکت داشته‌اند که با پایان تدوین فیلم توسط ارسلان امیری و اتمام مراحل فنی، این فیلم با نام ژاپنی «نیکایدو-ک- مونوگاتاری» از چهارم ژانویه ۲۰۱۹ در ژاپن اکران سراسری خواهد شد.

این فیلم در بیستم سپتامبر در افتتاحیه فستیوال بین‌المللی فیلم نارا در کشور ژاپن با حضور کارگردان و عوامل آن همراه با برگزاری کنفرانس خبری، رونمایی خواهد شد.

این سومین فیلم سینمایی آیدا پناهنده، بعد از «ناهید» و «اسرافیل» است.

در مراسم نقد کتاب سینمای کیارستمی در خانه سینما مطرح شد

کیارستمی، رگ خواب مخاطبانش را به‌دست می‌گرفت

● در مراسم نقد کتاب سینمای کیارستمی (نوشته آلبرتو لئا) که به همت خانه سینما، در روز سینما (بیست‌ویکم شهریور ۱۳۹۷) برگزار شده بود، ابراهیم فروزش و شاهرخ دولکو، از بزرگان سینمای ایران، به‌همراه زهرا میرآخوری و دکتر فرامرز آشنای قاسمی، مترجمان کتاب و کاوه کرباسی، صاحب‌امتیاز نشر نارنج، درباره این کتاب که به‌عنوان کتاب سال اسپانیا در حوزه سینما نیز انتخاب شده است و همچنین درباره زنده‌یاد عباس کیارستمی صحبت کردند.

ابراهیم فروزش، کارگردان نامی ایران گفت: من با خواندن این کتاب بسیار متعجب شدم. اولاً به‌سبب اینکه این نویسنده چقدر وقت و حوصله داشته که این حجم وسیع از مطالعه چنین شاگهارکی را بیافریند، در فانی به‌دلیل آنکه مترجمان کتاب چه صبر و علاقه‌ای داشته‌اند که چنین کتابی را که ترجمه آن بی‌شک آسان نبوده است، به انجام برسانند. چون من بعد از خواندن این کتاب و با وجود دیدن چندین و چندباره فیلم‌های کیارستمی، تازه متوجه شدم که چه موارد مهمی را در فیلم‌های او از دست داده‌ام.

سپس شاهرخ دولکو، منتقد سینما، فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردان کشورمان گفت: کیارستمی با پیداکردن زوایای پنهان و ناب زندگی می‌توانست رگ خواب مخاطبانش را به دست بگیرد. تا به حال حدود صد کتاب به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درباره کیارستمی نوشته شده است، اما این کتاب با همه آنها متفاوت است. یکی از نکات جالب درباره این کتاب آن است که تعداد صفحات فصل‌های این کتاب، با تعداد صفحات بخش مراجع آن که تازه با فوتی به‌مراتب ریزتر تاپب شده است، برابر است. این امر تلاش الئا را برای خلق این کتاب نمایان می‌کند.

کاوه کرباسی، صاحب‌امتیاز نشر نارنج، درباره علت چاپ این کتاب گفت: من به‌سبب علاقه زیادم به کیارستمی اقدام به چاپ این کتاب کردم. زهرا میرآخوری‌س، مترجم اول کتاب، گفت: ترجمه این کتاب کار دشواری بود و ما برای انجام‌دادن مناسب آن ساعت‌ها مجبور به تماشای فیلم‌های کیارستمی، برای تطبیق و نیز پیاده‌کردن متن فیلم شدیم؛ به‌ویژه آنکه متن کتاب هم به‌گونه دشواری ارائه شده بود.

دکتر فرامرز آشنای قاسمی، دانشیار دانشگاه شهید رجایی و مترجم دوم کتاب نیز گفت: مهم‌ترین ویژگی یک اثر تالیفی، حضور تطبیق و تحلیل در آن است. الئا با استفاده از صداهای مرجع، به این مهم دست یافته است. خوشبختانه این کتاب به‌نحوی نگارش شده است که هر فردی حتی با تحصیلاتی در حد دیپلم متوسطه قادر به خواندن آن و درک تحلیل‌های تخصصی آقای الئا است، بنابراین به کلیه علاقه‌مندان سینما پیشنهاد می‌کنم که خواندن آن را از دست ندهند؛ زیرا بعدی می‌دانم که به این زودی چنین کتابی درباره یک شخصیت تأثیرگذار ایرانی نوشته و به زبان فارسی عرضه شود.

این جلسه در پایان با برگزاری مراسم جشن امضا و گرفتن عکس‌های یادگاری به پایان رسید.